**ترجمه تفسير الميزان    ج‏4    514**

ترجمه تفسير الميزان، ج‏4، ص: 514

" أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ، سَواءً مَحْياهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ"[[1]](#footnote-1)، كه در اين آيه و آياتى نظير آن كلمه سيئات بر مطلق گناهان اطلاق شده است.

و شايد در مواردى اين كلمه در خصوص گناهان صغيره اطلاق شود، مانند آيه مورد بحث كه مى‏فرمايد:" إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ ..." چون با فرض اجتناب از گناهان كبيره ديگر گناهى جز صغيره باقى نمى‏ماند.

و سخن كوتاه اينكه در دلالت آيه بر دو نوع بودن گناهان و انقسام آن به صغيره و كبيره در مقايسه آنها با يكديگر هيچ ترديدى نيست و نبايد در آن ترديد كرد.

[وعده تكفير و در گذشتن از سيئات، مستلزم جرأت يافتن به ارتكاب صغائر نيست‏]

و همچنين هيچ ترديدى نيست در اينكه آيه شريفه در مقام منت نهادن بوده و نويدى است كه با عنايتى لطيف و الهى به گوش مؤمنين مى‏رسد، كه اگر از بعضى گناهان اجتناب كنند خداى عز و جل از بعضى ديگر گناهانشان در مى‏گذرد، پس نبايد پنداشت كه اين آيه شريفه مؤمنين را در ارتكاب گناهان صغيره جرأت مى‏دهد، چرا كه معنايى براى چنين توهمى نيست، چون هيچ ترديدى در اين نيست كه آيه شريفه از ارتكاب گناهان كبيره نهى مى‏كند، و ارتكاب صغيره از اين جهت كه مرتكبش به آن بى‏اعتنا است، خود مصداقى از مصاديق گناه كبيره است، و آن عبارت است از طغيانگرى، و ناچيز شمردن دستور خداى سبحان، كه نه تنها گناهى كبيره است، بلكه از بزرگترين گناهان به حساب آمده است.

آرى آيه شريفه در چنين مقامى نيست، بلكه مى‏خواهد به انسانى كه خلقتش بر اساس ضعف و جهالت است، و چون جهل و هوا بر او غلبه دارد هيچگاه خالى از ارتكاب گناهان نيست، و عده تكفير بدهد، و بفرمايد تو اى انسان كه همواره دستخوش كورانهاى هوا و شهوتى اگر بتوانى خود را از ارتكاب كباير كنترل كنى من وعده مى‏دهم كه از گناهان كوچكت صرفنظر كنم، پس زمينه آيه همان زمينه‏اى است كه آيات توبه دارد، و بشر را به سوى توبه دعوت مى‏كند، مانند آيه:" قُلْ يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلى‏ أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، وَ أَنِيبُوا إِلى‏ رَبِّكُمْ"[[2]](#footnote-2) كه در عين اينكه وعده آمرزش مى‏دهد دعوت به ترك گناه مى‏كند، پس همان طور كه در باره اين آيه نمى‏توان گفت: كه‏

ترجمه تفسير الميزان، ج‏4، ص: 515

مى‏خواهد مردم را به سوى گناهان بكشاند و به اين منظور باب توبه را به روى آنان باز مى‏گذارد كه بدون دلهره گناه كنند، همچنين در آيه مورد بحث چنين منظورى ندارد، بلكه اينگونه خطابها مايه زنده شدن دلهاى نوميد و مرده است. از اينجا مطلب ديگرى نيز به دست مى‏آيد، و آن اين است كه آيه شريفه مانع از شناختن كباير نيست و نمى‏خواهد بفرمايد: چون شما كه كباير را نمى‏شناسيد بناچار بايد از همه گناهان اجتناب كنيد، تا دچار كباير نشويد، زيرا چنين معنايى از آيه شريفه بعيد است بلكه آنچه از آن استفاده مى‏شود همانطور كه گفتيم اين است كه مخاطبين به آيه، گناهان كبيره را مى‏شناختند، و از لحن دليلى كه از آن نهى كرده آن را تشخيص مى‏دادند، و مى‏فهميدند گناهى كه اينطور شديد از آن نهى شده، هلاكت آور است، و لا اقل اگر آن معنا از آيه استفاده نشود، اين مقدار هست كه مى‏خواهد (در ضمن نهى از ارتكاب كباير) دعوت كند به شناسايى آن، تا مردم مكلف در باره پرهيز از آن اهتمام كامل بورزند،[[3]](#footnote-3)

1. ( 1) نكند آنها كه گناهان را به جرات مرتكب مى‏شوند، گمان كرده باشند كه ما در دنيا و آخرت با ايشان همان معامله را مى‏كنيم كه با افراد مؤمن و داراى اعمال صالح چه حكم بدى است كه مى‏كنند.

   سوره جاثيه آيه: 21. [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 2) بگو اى بندگان من كه بر خويشتن ستم كرديد، از رحمت خدا نوميد نباشيد، كه خدا همه گناهان را مى‏آمرزد، چون او آمرزگار مهربان است، و به سوى پروردگارتان توبه ببريد سوره زمر آيه 53- 54 [↑](#footnote-ref-2)
3. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش. [↑](#footnote-ref-3)